سرقت موبایل در «آغوش رایگان» دختران سارق

پلیس درباره شگرد دو دختر که با راه‌اندازی کمپین خیابانی به بهانه آغوش رایگان اقدام به سرقت گوشی‌های مردم می‌کنند، هشدار داد.

کنار خیابان می‌ایستند؛ با دستانی باز و کاغذی که پشت سرشان با چسب روی دیوار چسبانده و نوشته‌اند: «آغوش رایگان» آغوشی که قرار است به قول خودشان برای ملت ایران باشد اما حالا روی دیگر سکه آن مشخص شده که این آغوش آن قدر هم رایگان نبوده و قیمتش برداشتن یک گوشی تلفن همراه است. مالباخته اول پسر جوانی است که برای شکایت از سرقت گوشی به پلیس آگاهی تهران مراجعه کرده است؛ از جو زدگی خودش می‌گوید و جریان سرقت تلفن همراه خود را شرح می‌دهد: دو دختر کنار خیابان بودند، روی یک کاغذ نوشته بودند آغوش رایگان. بعد برگشتم کسی در آنجا نبود. جوگیر شدم. رفتم جلو... و بعد از رد شدن از آنجا متوجه شدم گوشی‌ام نیست. مالباخته دیگری گفت: داشتیم راه می‌رفتیم؛ کنار خیابان چند تا دختر دست‌های‌شان را باز کرده بودند، یک برگه هم پشت سرشان زده و نوشته بودند: آغوش رایگان. برای شیطنت جلو رفتم... بعد چند دقیقه که از آنها دور شدم دیدم ای بابا گوشی‌ام نیست! بازگشتم و پشت سرم را نگاه کردم و دیدم که دختران نبودند و گوشی‌ام را به سرقت برده‌اند. حالا آمده‌ام اداره پلیس از آنها شکایت کنم. در پی سرقت تلفن همراه به روش و ترفند جدید آغوش رایگان، مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پایتخت اعلام کرد، افرادی که به این شیوه از آنها سرقت شده است به اداره ۱۸ پلیس آگاهی در خیابان وحدت اسلامی تهران مراجعه کنند.

جرئیات دستگیری عاملان شهادت طلبه بسیجی و رباینده‌گان پروفسور فرهود

آرمان را با سنگ و چاقو شهید کردیم

عاملان شهادت طلبه بسیجی و رباینده‌گان پروفسور فرهود، در دو عملیات پلیسی شناسایی و دستگیر شدند. یکی از عاملان شهادت آرمان علی‌وردی، در گفت‌وگو با جام‌جم جزئیات حمله مرگبار به او را تشریح کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، آرمان علی‌وردی ۲۱ ساله چهارشنبه چهارم آبان امسال در شهرک اکباتان تهران از سوی اغتشاشگران مورد حمله و شکنجه قرار گرفت و بر اثر شدت جراحات به شهادت رسید. عاملان شهادت وی با دستور قضایی تحت تعقیب قرار گرفتند. ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران در جریان بررسی محل شهادت طلبه جوان تکه‌سنگی خونین پیدا کردند که قاتلان با آن به آرمان ضربه‌هایی زده بودند. پلیس پایتخت رد ۱۵ نفرکه پنج نفرشان از متهمان اصلی بودند را شناسایی کرد و در شب هفتم فوت این طلبه شهید، آنها را در تهران بازداشت کرد.

تحقیقات نشان داد که متهمان حتی قصد داشتند به‌زودی از کشور خارج شوند که موفق نشدند. یکی از پنج متهم اصلی به طلبه شهید ضربه چاقو زده بود، دیگری سنگ زده و دو نفر هم او را کتک زده بودند. نفر آخر هم فیلمی تهیه کرده و با توهین به مسئولان آن را در فضای مجازی منتشر کرده بود.

ماموران پلیس تهران در عملیاتی دیگر توانستند دو مرد جوان که هشتم آبان امسال با جعل عنوان مامور، پروفسور داریوش فرهود ۸۵ ساله، پدر علم ژنتیک ایران را از مقابل خانه‌اش در گیشا ربوده و درصدد اخاذی هشت میلیارد تومانی از وی بودند را ناکام گذاشته و دستگیر کنند.

به گفته رئیس پلیس آگاهی تهران، رباینده‌گان پروفسور فرهود را ۲۶ ساعت نگه داشتند که این اقدام آنان به منزله حبس غیرقانونی است. همچنین آنها قصد داشتند تا از پروفسور اخاذی کنند و از وی هشت میلیارد تومان پول طلب کردند که سپس این مبلغ به چهار میلیارد تومان تقلیل یافت. این افراد تا پیدیه پول را از پروفسور گرفتند و شامگاه چهارشنبه پیش از این‌که مبلغ را دریافت کنند، دستگیر و به اقدامات خود معترف شدند.

برای دیدن فیلم اعترافات متهمان کیوآرکد را اسکن کنید

تحت تاثیر ماهواره بودیم

پسر ۲۳ ساله یکی از متهمان پرونده شهادت طلبه بسیجی است که همراه دوستانش پسر ۲۱ ساله را به طور دلخراشی در شهرک اکباتان تهران به قتل رساندند. براساس فیلمی که پلیس به دست آورده، او با چاقو به آرمان ضربه زده بود.

با همدستانت چطور آشنا شدی؟

از قبل دوست بودیم.

چه کاره‌ای؟

بیکار. بیشتر وقتم را در سایت‌ها و فضای مجازی می‌گذراندم.

طلبه شهید را می‌شناختی؟

تا به حال او را ندیده بودم و همان شب به طور اتفاقی دیدمش. آن شب یکی از بچه‌ها مشخصات طلبه بسیجی را در اختیارمان قرار داد و فهمیدیم که وی در میان جمعیت و شلوغی است. او را پیدا کردیم. کیفی دستش بود. با دوستانم دنبالش بودیم و تعقیبش کردیم تا این‌که به یکی از بلوک‌های شهرک اکباتان رسیدیم. او را دوره کردیم. همه او را می‌زدند. شاید بگویم بیش از ۱۰ نفر می‌شدیم. چاقو دستم بود و ضربه‌ای هم من به او زدم. یکی از بچه‌ها با سنگ ضربه‌ای به او زد و در حالی که به‌شدت زخمی شده بود، رهایش کرده و از محل فرار کردیم.

از شهادت جوان بسیجی چطور مطلع شدی؟

خبر شهادتش را در فضای مجازی خواندم و فهمیدم فوت شده، حتی خانواده‌ام هم این خبر را شنیده بودند و در خانه از او حرف می‌زدند.

خانمی هم با شما همکاری داشت؟

آن شب همه مرد بودیم و خانمی با من نبود. چند زن رهگذر بودند و سر و صدا می‌کردند اما با ما نبودند.

قصد فرار از ایران را داشتی؟

بله. چون به اتهام قتل تحت تعقیب قرار گرفته بودیم و می‌دانستیم اگر دستگیر شویم، اعدام می‌شویم. به دنبال راهی بودیم که غیرقانونی از مرز خارج شویم.

از فرد خاصی برای قتل مرد طلبه دستور گرفتید؟

خیر. خودمان درپی یک هیجان و تاثیرپذیری از شبکه‌های ماهواره‌ای این کار را انجام دادیم. علاوه بر تبلیغات اینستاگرام و شبکه‌های ماهواره‌ای، مصرف ماده‌مخدر هم در این اقدامات ما بی‌تاثیر نبود. قرص‌های روانگردان، شیشه و گل هم مصرف می‌کردیم. همدستانم نیز سیکل و دیپلم دارند. همان دوستم که با سنگ طلبه جوان را زد، تحت تاثیر هیجانات، کوکتل مولوتوف درست کرده و در شلوغی‌های اخیر شرکت و از آن استفاده می‌کرد اما نمی‌دانم به کسی آسیب رسانده یا نه؟

چرا بعد از شهادت جوان طلبه، فیلمی در فضای مجازی منتشر کردید؟

در آن فیلم دوستم می‌گفت این تازه شروع ماجرا است و می‌خواهیم رفتارهای دیگری مانند شهادت این طلبه را ادامه دهیم که همه‌اش برای ترساندن افراد بود.

گفت‌وگو

رباینده پروفسور فرهود:

خواستیم از فضای اغتشاشات سوءاستفاده کنیم

دو مرد جوان فکر می‌کردند می‌توانند از فضای اعتشاشات سوءاستفاده کرده و با ربودن پروفسور فرهود هشت میلیارد به جیب بزنند اما قبل از اجرای نقشه‌شان دستگیر شدند.

دکتر را می‌شناختی؟

بله. وی فرد پولدار و معروفی بود. املاک و زمین‌های زیادی در شهرستان هشتگرد استان البرز دارد. خودم در یک املاک کار می‌کردم و چند معامله دکتر را در آنجا ثبت کرده، شناخت زیادی نسبت به او و مال و دارایی‌اش داشتم.

چطور نقشه ربودن او را طراحی کردید؟

از یک ماه قبل. موضوع را به یکی از دوستانم گفتم که قبول کرد با من همراه شود.

چرا خودتان را پلیس و مامور امنیتی جا زدید؟

باتوجه به شرایط جامعه، بهترین روش این بود خود را مامور امنیتی جا بزنیم و دکتر را با خودمان همراه کنیم. آن روز مقابل خانه‌اش کشیک دادیم و ساعت ۵ صبح که بیرون آمد به او گفتیم مامور هستیم و درباره اعتراض پزشکان باید چند سوال از او بپرسیم، اعتماد کرد و سوار خودرویش شدیم. چند ساعتی در خیابان‌ها گشتیم و بعد به خانه‌ای در شمال کشور رفتیم. در آنجا فهمید مامور نیستیم. با او رفتار خوبی داشتیم. درخواست پول کردیم و به بانکی در آن شهر رفتیم تا پول را از حسابش برداشت کنیم اما دکتر مدارک شناسایی همراه نداشت و نتوانستیم. دکتر فرهود قول داد اگر رهایش کنیم تا چند روز بعد چهار میلیارد تومان به من می‌دهد که به او اعتماد کردیم.

چطور دستگیر شدید؟

چهارشنبه برای گرفتن پول سراغش رفتیم که خود را در محاصره ماموران دیدیم و دستگیر شدیم.

برای دیدن فیلم لحظه دستگیری متهم با شاکی کیوآرکد را اسکن کنید

پرستار خانگی در یک قدمی چوبه دار

پرستار خانگی که برای سرقت طلاهای پیرزنی، او را خفه کرده بود با تایید حکم مجازاتش در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از مهر ۱۳۹۸ و همزمان با گزارش مرگ مشکوک پیرزنی در بیمارستان لقمان تهران آغاز شد. در جریان تحقیقات مقدماتی مشخص شد، پیکر نیمه‌جان جمیله از سوی دخترش به بیمارستان منتقل شده و او بعد از چند روز در بخش مراقبت‌های ویژه جانباخته بود.

مادر مقتول در تحقیقات گفت: مادرم در خانه‌اش در حوالی خیابان آیت‌ا... کاشانی زندگی می‌کرد. یک زن میانسال و دخترش به‌عنوان پرستار خانگی از مادرم مراقبت می‌کردند. صبح روز حادثه با مادرم صحبت کردم و بعد به خانه‌اش رفتم اما هرچه در زدم، در را باز نکرد. نگران شده و با کلید یدک وارد خانه شدم. پیکر نیمه‌جان و کبود مادرم در اتاق بود. سریع با اورژانس تماس گرفته و او را به بیمارستان انتقال دادیم اما بعد از چند روز بر اثر شدت جراحات فوت کرد. در بررسی خانه مادرم متوجه سرقت طلاهایش شدم. مطمئنم پرستار خانگی مادرم این بلا را سر او آورده است.

در ادامه پرستار میانسال دستگیر شد که تحقیقات از او نشان داد، دختر ۴۰ ساله‌اش به نام سعیده روز حادثه در خانه پیرزن بوده است. خانه متهم به قتل شناسایی و او قبل از فرار دستگیر شد. زن جوان در تحقیقات گفت: «چند سال قبل از همسرم جدا شده و با دختر ۱۷ ساله‌ام زندگی می‌کردم. مادرم پرستار سالمندان بود و من هم گاهی به او کمک می‌کردم. جمیله را بیش از یک سال بود می‌شناختم و بعضی از روزها به جای مادرم به خانه‌اش می‌رفتم و کارهایش را انجام می‌دادم. می‌دانستم طلای زیادی در خانه دارد و وسوسه سرقت طلاها به جانم افتاده بود. آخرین بار برای سرقت طلاها، به او حمله کرده و پارچه‌ای دور گلویش پیچیدم که بیهوش شد. بعد طلاهایش را سرقت کرده و ۱۰ میلیون تومان فروختم.»

در حالی که زن سالخورده به بیماری زمینه‌ای مبتلا بود، کمیسیون سه نفره پزشکی قانونی اعلام کرد بین عمل مرتکب و مرگ جمیله رابطه سببیت وجود دارد اما در مرگ او بیماری زمینه‌ای ۲۰ درصد و عمل متهم ۸۰ درصد موثر بوده است.

با اعتراض اولیای دم به این نظر، پرونده در کمیسیون پنج نفره بررسی شد که این بار کارشناسان اعلام کردند مرگ جمیله ناشی از فشار بر عناصر حیاتی و نرسیدن اکسیژن به اندام‌های حیاتی بوده است. با تکمیل تحقیقات در دادسرا، سعیده در شعبه پنجم دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه قرار گرفت. در این جلسه اولیای دم پیرزن برای قاتل درخواست قصاص کردند. سپس زن زندانی در جایگاه قرار گرفت و گفت: «وضع مالی خوبی نداشتم و به چند نفر بدهکار بودم. وقتی به خانه جمیله رفتم و چشمم به طلاهایش افتاد دچار وسوسه شدم و او را هل دادم و پارچه‌ای دور گردنش پیچیدم و چند ثانیه نگهداشتم. اتهام قتل عمد را قبول دارم و از کاری که کردم پشیمانم.

پس از آخرین دفاعیات متهم، قضات وارد شور شده و سعیده را به اتهام قتل به قصاص و به دلیل سرقت به شلاق و زندان محکوم کردند. این رای در شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور تایید شد و زن زندانی یک گام به چوبه دار نزدیک شد.

قتل در دعوای بچه محل‌ها

پسر جوان که در جریان درگیری دوستش را کشته و نفر دیگری را زخمی کرده بود، بازداشت شد.

به گزارش جام جم، عصر چهارشنبه ۱۱ آبان امسال پسری ۲۱ ساله که در جریان درگیری خیابانی با دوستش زخمی و هردو در یکی از بیمارستان های تهران بستری شده بودند، فوت شد. ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات در این باره را آغاز کردند تا این که معلوم شد مقتول و دوستش در یکی از بوستان‌های محله یافت آباد تهران حضور داشتند که این اتفاق افتاده است. با مشخص شدن این موضوع هویت قاتل فراری که پسری ۲۱ ساله بود، شناسایی شد. او بازداشت شد و دیروز در جریان تحقیقات گفت: من و مقتول از دوستان قدیمی بودیم. درگیری و کری‌خوانی داشتیم. شامگاه سه‌شنبه من و دوستم برای پایان‌دادن به این درگیری به آن بوستان رفته بودیم. مقتول با ۱۱ نفر از دوستانش آمده بود. کمی جر و بحث شد و با میانجیگری ماجرا تمام شد. اما چون حالم خوب نبود احساس کردم این آشتی دروغ است و مقتول قصد جانم را دارد که دوباره با آنها درگیر شدم و او و یکی از دوستانش را زخمی کردم و متواری شدم. بعد از بازداشت، فهمیدم مرد جوان فوت شده و این طور گرفتار شدم. پرونده این قتل در شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران در دست بررسی است.

قتل امام جماعت مسجد در زاهدان

امام جماعت مسجد مولای متقیان زاهدان با شلیک دو گلوله از سوی افراد ناشناس به قتل رسید. سردار احمد طاهری، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان به سایت پلیس گفت : شامگاه پنجشنبه ۱۲ آبان امسال حجت‌الاسلام سجاد شهرکی دقایقی قبل از نماز مغرب و عشا در مقابل مسجد مولای متقیان زاهدان در خیابان جمهوری این شهر از سوی سرنشینان یک خودروی پژو هدف شلیک دو گلوله قرارگرفت که به شهادت رسید. پرونده‌ای در این باره تشکیل شد و تحقیقات ماموران برای دستگیری متهمان فراری ادامه دارد.

اتفاقیه

جزئیات حمله اغتشاشگران به ماموران پلیس البرز

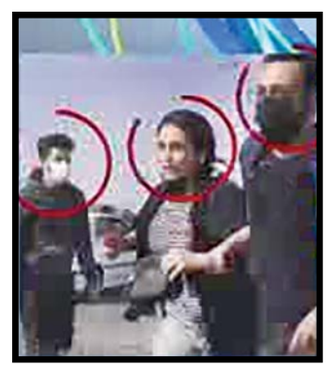

رئیس کل دادگستری استان البرز جزئیات حوادث و اغتشاشات روز پنجشنبه در این استان را تشریح کرد.

به گزارش جام‌جم، حسین فاضلی‌هریکندی اظهار کرد: روز پنجشنبه با فراخوانی که از قبل داده شده بود عده‌ای در اطراف بهشت سکینه(س) کرج تجمع و با ریختن سنگ و نخاله ساختمانی اقدام به بستن اتوبان و تهدید راننده‌های عبوری کردند. اغتشاشگران با تهدید راننده‌های عبوری، آنها را مجبور به توقف می‌کردند و در صورت عدم توقف خودرو با سنگ، چوب و سلاح سرد به خودروها آسیب می‌زدند.

وی ادامه داد: اغتشاشگران در مسیر آزادراه کرج به قزوین نسبت به تخریب کیوسک و خودروهای پلیس اقدام کردند. همچنین در کمال‌شهر عده‌ای اغتشاشگر دست به تخریب اموال عمومی و حمله به مردم زدند. اغتشاشگران در کمال‌شهر به یک نیروی بسیجی با سلاح سرد و قمه حمله کردند که متاسفانه این فرد به شهادت رسید. همچنین اغتشاشگران به یک طلبه با سلاح سرد و تفنگ ساچمه‌زنی حمله کردند که درحال حاضر حال این طلبه خوب است و برای درمان به بیمارستان منتقل شده است.

رئیس دادگستری استان البرز گفت: دستورات لازم برای شناسایی افرادی که به شهادت نیروی بسیجی در کمال‌شهر اقدام کرده‌اند و همچنین شناسایی افرادی که دست به ضرب‌وجرح طلبه آسیب‌دیده زدند صادر شده است. چند نفر از ماموران فراجا در اغتشاشات پنجشنبه مصدوم شدند که اقدامات درمانی درخصوص آنها در حال انجام است و خوشبختانه حال این ماموران خوب است. در جریان اغتشاشات تعدادی از مخلان امنیت بازداشت شده‌اند که اقدامات قضایی نسبت به آنها در حال انجام است.

رئیس مرکز مدیریت فوریت‌های پزشکی استان البرز هم اعلام کرد: دو نفر در جریان حوادث و آشوب‌های آزادراه کرج - قزوین و کمال‌شهر کرج روز پنجشنبه جان باختند. استاندار البرز هم از برخورد جدی پلیس با اغتشاشگران خبر داد و گفت: این اغتشاشگران به‌صورت سازماندهی‌شده و با استفاده از چاقو و قمه به ایجاد رعب، وحشت و حتی به شهادت‌رساندن یک بسیجی اقدام کردند. دیگر گذشتی در کار نخواهد بود و خاطیان و اراذل و اوباش با برخورد قانونی مواجه می‌شوند.

برای دیدن تصاویر اغتشاشگران کیوآرکد را اسکن کنید

عدلیه

رسیدگی به اتهامات یکی از متهمان اغتشاشات اخیر

قصدم اخلال در نظم بود نه محاربه!

بیش از ۴۰ روز از آغاز اغتشاشات می‌گذرد و در روزهای اخیر، اغتشاشاگران با طیف‌های سنی مختلف پای میز محاکمه رفتند. در یکی از این جلسات، دادگاه پسرجوانی به نام ماهان صدارت، اهل تهران برگزار شد که بر اساس کیفرخواست، ۲۰ مهرماه در اغتشاشات شهر تهران شرکت داشت و با اتهاماتی مانند محاربه از طریق کشیدن سلاح سرد (چاقو)، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، آتش زدن موتور، تخریب‌گوشی شاکی خصوصی و ایراد جرح عمدی با چاقو نسبت به شاکی، روبه‌رو بود.

با قرائت کیفرخواست توسط نماینده دادستان، قاضی افشاری، رئیس شعبه ۲۶ دادگاه عمومی و انقلاب اسلامی از یکی از شکات پرونده خواست تا درخصوص حضور متهم در محل وقوع حادثه توضیح دهد. شاکی گفت: «من کارمند یک شرکت خصوصی هستم و روز حادثه همراه دوستم سوار موتور و در حال تردد از خیابان ولیعصر ـ چهارراه مدرس به سمت میدان راه‌آهن بودیم. ناگهان متوجه چند موتورسوار شدیم که به صورت گروهی اقدام به ایجاد رعب و وحشت می‌کردند. آنها علیه نظام شعار می‌دادند و سعی می‌کردند با رجزخوانی و تهدید مردم، حلقه اعتراضات را تشکیل دهند. موتورسواران به محض مشاهده ما، تعقیب‌مان کرده و با لگدپرانی در حین حرکت، موتور ما را در نزدیکی مهدیه تهران واژگون کردند. پس از آن متهم با چاقوی سلاخی، بازوی دست چپ دوستم یعنی راکب موتور را مورد حمله قرار داد. بعد هم او و بقیه موتورسواران با چاقو باک بنزین را سوراخ کردند و با فندک آن را آتش زدند.»

سپس متهم در جایگاه حاضر شد و گفت: «من از طریق استوری یکی از دوستانم تشویق شدم به قلمستان بروم. پس از حضور در محل، همراه دوست موتورسوارم با دو شاکی درگیر شدیم و من دو مشت به صورت شاکی زدم اما چاقو نداشتم. بعد هم ضربه‌ای به باک بنزین موتور زدم و دوستم هم فندک داد و موتور را آتش زدم.»

متهم در ادامه دفاعیات خود گفت: «من کسی را با چاقو نزده‌ام و همچنین، هیچ‌کس را به اغتشاش تحریک نکردم و پست‌های مربوط به اغتشاشات در تلفن همراهم نیز مربوط به من نیست، من تنها یک فیلم از اغتشاشات برای دوستم ارسال کردم.»

متهم در پاسخ به این سؤال قاضی که به چه دلیل مسیر این دو نفر که نه نیروی نظامی و انتظامی بودند را مسدود کرد، گفت: «من جوگیر شده بودم اما دوستم می‌گفت بسیجی هستند. قرار نبود کسی را بزنیم یا آتش‌سوزی ایجاد کنیم. قرار ما فقط شعاردادن بود.» قاضی افشاری نیز در واکنش به پاسخ متهم گفت پس از قبل می‌دانستید که برای اخلال در نظم اجتماعی وارد عمل می‌شوید که متهم آن را تایید کرد.

در ادامه دادگاه، وکیل متهم گفت: «تصمیم‌گیری در مورد اتهامات کتک‌کاری و آتش زدن موتور را به دادگاه واگذار می‌کنم. درخصوص اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح سرد نیز، تصاویر را دیدم و متهم موضوع کشیدن سلاح سرد را رد می‌کند.»

سپس فیلم صحنه درگیری پخش شد و متهم ادعا کرد چاقو نداشته است که یکی از شاکیان پرونده گفت در فیلم مشخص است که متهم با چاقو باک موتورم را سوراخ می‌کند اما متهم ادعای دیگری دارد. متهم نیز در ادامه گفت اتهام آتش‌زدن موتور و درگیری را قبول دارد اما چاقو نداشته است. با پایان یافتن دفاعیات، قاضی ختم دادگاه را اعلام کرد.

برای دیدن فیلم لحظه درگیری متهم با شاکی کیوآرکد را اسکن کنید

جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
شنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۱ شماره ۶۳۴۷